

رئیس پژوهشگاه مطالعات فرهنگی، اجتماعی و تمدنی وزارت علوم در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

ایستادگی ملی بدون کار علمی ناتمام می‌ماند

■ مظلومیت دانشمندان ایران باید در عرصه‌های بین‌المللی منعکس شود



زهرا رamezani

نخستین کارگروه دانشگاه

وقتی ششپور جنگ تحمیلی در ایران نواخته شد، دشمن حتی در خیالش هم تصور نمی‌کرد مردمی که تا پیش از ۲۳ خرداد امسال، در بسیاری از موضوعات با یکدیگر اختلاف نظر دارند، حالا

دانشگاه‌ها به‌عنوان نهاد تولید علم چه نقشی در دوران پسا جنگ برای رسیدن به حفظ انسجام و وحدت ملی ایفا می‌کنند؟

در ابتدا نگاهی کنیم به شرایطی که قبل از جنگ داشتیم. من معتقدم در جنگ ۱۲ روزه‌ای که اتفاق افتاد و به کشورمان تحمیل شد، با وجود اینکه دچار چالش‌هایی شدیم و شهدایی از فرماندهان، دانشمندان و مردم بی‌گناه داشتیم، اما از برخی منظرها برپایان دستاوردهایی داشته که یکی از آن‌ها بحث انسجام است. درحقیقت طی چند سال اخیر به واسطه همان دشمنی‌هایی که جریان صهیونیستی – منافقین پشت آن بودند چالش‌هایی مانند ناآرامی‌های سالل ۱۴۰۱ یا قبل از آن در ایران شکل گرفت که جامعه را دچار واگرایی کرد، دشمن هم به‌حساب اینکه چنین واگرایی‌ای وجود دارد و آدرس‌های غلطی که جریان منافقین، ضدانقلاب و برانداز به دشمن می‌دادند، به کشورمان حمله کرد، اما وقتی نوع مواجهه جامعه ما و همه ایرانیان را با همه گرایش‌ها و افکار دید، دچار شوک شد و بزرگ‌ترین ضربه‌ای که دشمنان خوردند از منظر همین انسجامی بود که ایجاد شد. از این مسئله که عبور کنیم، باید بگویم دانشگاه‌ها در دوران پسا جنگ نقش بی‌بدیلی در بازسازی فضای اجتماعی و تقویت انسجام ملی دارند. نهادهای علمی تنها محل تربیت نخبه و دانشمند نیستند و من معتقدم مهم‌ترین کارویژه‌شان تولید گفتمان هویت‌محور، گفتمان ملی، گفتمان مقاومت و گفتمان انسجام است. جامعه با زخم‌هایی از جنگ و تبعات بعد از آن به لحاظ روانی و استرس مواجه است و این دانشگاه‌ها به‌ویژه حوزه علوم‌انسانی و اجتماعی هستند که باید در وهله اول به تربیت نسلی بپردازند که با مفاهیمی مانند مشارکت اجتماعی، همدلی و مدارا آشنا باشند و دیگرخواهی برای آن‌ها درونی شود. دیگرخواهی و مردم‌داری موضوع بسیار مهمی است که باید ملاک قرار بگیرد. برای درک بهتر این مسئله باید به حمله به میدان تخریش نگاه کنیم. در فیلمی که از این حمله منتشر شده، می‌بینیم مردم صحنه‌های غرورآفرینی را رقم زدند و برای نجات هموطنان خود به میدان آمدند، درحالی‌که اگر همین اتفاق در اراضی اشغالی رخ می‌داد، همه صهیونیست‌ها فرار می‌کردند. این‌ها نکاتی است که قابل تأمل بوده و برای تادام آن دانشگاه‌ها هم باید به تربیت نسلی بپردازند که این ویژگی‌ها در آن‌ها پررنگ باشد. منظور فقط دانشگاه‌ها نیست، بلکه نظام تعلیم‌وتربیت کشور باید به این حوزه بپردازد؛ چراکه آموزش‌و پرورش و نظام آموزش عالی ما در پیوند با یکدیگرند.

بخواهیم دقیق‌تر به نقش دانشگاه‌ها در حفظ انسجام ملی اشاره کنیم، کارویژه‌ای که برای این حوزه پیشنهاد می‌کنید، چه خواهد بود؟

دانشگاه‌ها می‌توانند برنامه‌های فرهنگی، کرسی‌های آزاداندیشی و انجمن‌های علمی را فعال و در تعامل با رسانه‌ها، نقش مردم را در دفاع از کشور و ترویج ادبیات مقاومت را بازخوانی کنند، قطعاً روحیه مسئولیت‌پذیری اجتماعی در نسل جوان باید تقویت شود. دانشگاه‌ها، نظام آموزش عالی و آموزش‌وپرورش ما ابزارهای ویژه‌ای هستند که باید به این مسئله بپردازند. اگر روحیه مسئولیت‌پذیری در بین مردم ما افزایش یابد، برای حفظ انسجام ملی مهم‌ترین ابزار خواهد بود، یعنی هر بحرانی در جامعه ایجاد شود مانند بحران‌های اقتصادی (بلاهای طبیعی یا جنگ، وقتی روحیه مسئولیت‌پذیری مدنی در بین نسل جوان پرورش پیدا کرده باشد، بسیاری از مسائل و چالش‌ها حل می‌شود.

فکر می‌کنید دانشگاه امروز می‌تواند چه سهمی در تقویت انسجام ملی ایفا کند؟

در این زمینه به نظرم دانشگاه‌ها باید به‌مثابه یک سازمان میانی عمل کند، یعنی نقش دانشگاه یک پیونددهنده بین دانش، ملت و مفاهیم مترقی مانند مقاومت، ایثار و یکدلی خواهد بود. من معتقدم باید نقش دانشگاه را به‌عنوان یک نهاد میانی در شرایط فعلی یک بازتعریف کنیم، یعنی دانشگاهی که لزوماً در انزوای آکادمیک سیر نمی‌کند و زمان خودش را در درون خودش نمی‌گذارد بلکه در تعامل فعال با دولت و فرهنگ عمومی عمل می‌کند، یعنی دانشگاه، نهادی است که می‌تواند درهای جامعه را شنیده و تئوریزه کند، همچنین باید تجربه‌های زیسته مردم را به دانش تبدیل کند و بتواند فاصله بین زبان جامعه نخبه و فهم عمومی را کاهش دهد. به‌عبارت‌دیگر مردم بسیاری از ادبیات گفتمانی را که از سوی مسئولان و نخبگان و نظریه‌پردازان مطرح می‌شود خیلی دقیق درک نمی‌کنند و در اینجا دانشگاه باید وارد عمل شود و ایفای نقش کند و از گفتمان مقاومت و هویت ملی در یک بستر علمی، تحلیلی و آینده‌نگرانسه دفاع و آن را تولید و بازتولید کند. این نقش بسیار کلیدی است که دانشگاه می‌تواند آن را ایفا کند.

نسبت دانشگاه را با دوران پسا جنگ چگونه می‌توان برقرار کرد؟

من معتقدم باید شرایط امروز را برای پاسخ به این سؤال مدنظر قرار داد. ما امروز در دوران تعطیلات دانشگاهی به سر می‌بریم اما قطعاً شور و نشاط و نقشی بی‌بدیلی را که دانشگاه‌ها می‌توانند و باید ایفا کنند در شهرپور و مهرماه خواهیم دید؛ چراکه این ادغدغه در جامعه دانشگاهی و در بین نخبگان وجود دارد و قطعاً دیده هم خواهد شد. باین‌حال برای تحقق آن، نیازمند تبیین‌گری و برنامه‌ریزی هستیم، یعنی نظام آموزش عالی باید در این زمینه برنامه‌ریزی کند و در ابتدا باید برای نخبگان اعم از دانشجویان، اساتید، نخبگان سیاسی و فرهنگی ما این موضوع تبیین شود تا آن‌ها بتوانند به ایفای نقش فعالشان برسند.

جایگاه متخصصان علوم‌انسانی و علوم اجتماعی را در این پازل حرکت دانشگاه چگونه تعریف می‌شود؟

فعالان حوزه علوم‌انسانی دانشگاه‌ها هم باید با رویکرد مسئله‌محور، جامعه‌محور و اخلاقی، کنشگری فعالی را در فضای عمومی جامعه دنبال کنند. منظور از فضای عمومی هم صرفاً رسانه ملی نیست، بلکه

ظرف چند ساعت یکصدا مقابل متجاوز بایستد؛ اتفاقی که همه برنامه‌ریزی‌های دشمن را برهم زد. انسجامی که حفظ آن امروز و در دوران پسا جنگ از نان شب هم واجب‌تر شده و در این بین جامعه دانشگاهی به‌عنوان قوه عاقله کشور سهم ویژه‌ای در تحقق آن دارد و در این میان سهم متخصصان علوم‌انسانی و اجتماعی به‌مراتب پررنگ‌تر خواهد بود. فعالانی که با بررسی رفتار قشرهای مختلف

این قشر می‌توانند با حضور در برنامه‌های مختلف در رسانه‌های دیگر و حضور در فضای مجازی، به ایفای نقش خود بپردازند. باید به این موضوع هم اشاره کنم که خوشبختانه در همین مدت اتفاقات خوبی صورت گرفته و دراین‌بین برنامه‌های مختلفی را دیدیم که در رسانه‌های جمعی بارگذاری شدند، حتی بسیاری از دانشگاه‌های ما در دوران جنگ، فعالیت‌های زیادی را برای ارتباط‌گیری با مجامع بین‌المللی انجام داده‌اند؛ در دوران پسا جنگ، نیازمند بازسازی روانی، فرهنگی و اجتماعی جامعه هستیم. در این میان دانشگاه می‌تواند واسطه‌ای بین مردم، سیاست‌گذاران و مسئولان باشد و روایت دقیقی را ارائه دهد.

فضای جنگ شناختی علیه کشورمان در طول دهه‌های گذشته وجود داشته و بعد از جنگ ۱۲ روزه، شدت بیشتری هم گرفته است، از طرف دیگر شاهد صدور فرمان مقام‌معلم‌رهبری و تأکید بر حفظ و تقویت وحدت ملی هستیم، فکر می‌کنید دانشگاه چگونه می‌تواند در این جنگ نرم اثرگذار باشد؟

به‌صورت کلی به فضای عمومی جامعه روایت‌های غیر معتبر زیادی می‌رسد که قطعاً این مسئله به دلیل جنگ شناختی است و در اینجا دانشگاه باید روایت‌های معتبر را داشته و محل گفت‌وگو برای برگزاری نشست‌های تبیین باشد. تولید ادبیات مقاومت علمی هم از دیگر کارهاست که باید مدنظر قرار بگیرد. یکی از موضوعاتی که دشمن با ترور دانشمندان هسته‌ای ما دنبال می‌کردیم و دیدیم تعداد بالایی از دانشمندان ما را هم ترور کرد، این بود که روند پیشرفت علمی جامعه را متوقف و به جامعه این را القا کند که نباید در این حوزه، فعالیتی داشته باشیم. باین‌حال دیدیم که رهنمود و فرمان مقام‌معلم‌رهبری بسیار استراتژیک بود و به نظرم موتور محرکه جدی برای جامعه به‌حساب آمد؛ چراکه جامعه در شوک جنگ بود اما ایشان با صدور این فرمان برای واحدهای مختلف، مسئولیت‌های دقیقی را تعیین کردند که وقتی به این مسئولیت‌ها نگاه می‌کنیم، می‌بینیم بخش عمده‌ای از وظایف و تکالیف برعهده مجموعه دانشگاه‌ها، نهادهای فرهنگی و اجتماعی است، این مسئله نشان می‌دهد باید در این عرصه بسیار جدی‌تر عمل کنیم. جامعه دانشگاهی می‌تواند با اقشار مختلف گفت‌وگو و روایت‌های دقیقی را مطرح کند، یعنی باید نشان دهد دانشمندان هسته‌ای ما چه ویژگی‌هایی داشته‌اند و جامعه را نسبت به جنگ شناختی که در حال رخ‌دادن است، آگاه کند. دشمن این روزها شدت تکیه خود را روی مخدوش کردن ذهن جامعه گذاشته است. در این راستا ابزار رسانه و فضای مجازی را در اختیار دارد و ایسن مقوله را به‌صورت جدی و بسا برنامه‌ریزی دنبال می‌کند. دانشگاه‌ها در این زمینه می‌توانند با در اختیار داشتن نیروی متخصص بسیار کمک‌کننده باشند، همچنین نهاد علم در حوزه تاب‌آوری اجتماعی هم می‌تواند ایفای نقش داشته باشد. قطعاً ظرفیت جامعه باید برای بحران‌های مختلف ارتقا یابد و این هم یک‌روزه محقق نمی‌شود، بلکه نیازمند آموزش مهارت‌های زندگی، توانمندسازی‌های شهرپورند، گفت‌وگوهای بین‌نسلی است. شاید نسل ما و نسل قبل‌تر بسیاری از مواردی را که درباره مقاومت مطرح می‌شود، بی‌درد اما مگر نسل جدید نیز همین‌طور است؟ برای تحقق این مسئله قطعاً نیازمند گفت‌وگری بین نسلی هستیم، همچنین باید مفاهیم هویت ملی را بازتعریف و از میراث مقاومت فرهنگی خودمان دفاع کنیم، یعنی بیان میراث مقاومت فرهنگی کاری است که باید در دانشگاه‌ها تبیین شود.

الزامات ایفای نقش میانجی‌گر از سوی دانشگاه‌ها در حوزه ادبیات مقاومت و تولید علمی این گفتمان چیست؟

مسئله‌ای که در ابتدا باید به آن اشاره کنم، این است که قبول دارم وقتی صحبت از ادبیات مقاومت می‌شود، ممکن است سوگیری‌هایی هم نسبت به آن وجود داشته باشد اما نیاز داریم به این حوزه بپردازیم که در این زمینه و اولین قدم بازخوانی و تبیین علمی ادبیات مقاومت است. ادبیات مقاومت لزوماً به معنی مقاومت جنگی و نظامی نیست؛ بلکه مقاومت یعنیس ما به‌عنوان یک جامعه دانشگاهی می‌خواهیم دستاوردهای علمی خودمان را دنبال کنیم. قرار نیست مستعمره دنیای غرب شویم و دانشگاه باید روایت ملی از ایستادگی و فداکاری را نه در سطح احساسی و مسالن زودگذر بلکه با یک نگاه تحلیلی و بین‌رشته‌ای دنبال و آن را وارد فضای علمی کشور کند. معتقدم ادبیات مقاومت اگر در سطح شعار باقی بماند، کم‌کم کارکرد خودش را از دست می‌دهد؛ اما اگر به حوزه علوم اجتماعی، تاریخ‌نگاری، جامعه‌شناسی جنگ، روان‌شناسی تروما و مطالعات فرهنگی وارد شود، به ابزاری برای هویت ملی و وحدت جمعی تبدیل می‌شود. این مهم‌ترین وظایف دانشگاه در حوزه میانجی‌گری است. دومین نقش هم همان ترجمه روایت‌های مردمی و تبدیل آن به حافظه علمی جمعی است. نگاه کنید ما جنگ تحمیلی ۸ساله را داشتیم و به‌خاطر دارم که خود مقام‌معلم‌رهبری نیز بعضاً گلايهایی را داشتند مبنی بـر اینکه روایت‌های دقیق از آن

باید نقش دانشگاه را به‌عنوان یک نهاد میانجی در شرایط فعلی یک بازتعریف کنیم، یعنی دانشگاهی که لزوماً در انزوای آکادمیک سیر نمی‌کند و زمان خودش را در درون خودش نمی‌گذارد بلکه در تعامل فعال با دولت و فرهنگ عمومی عمل می‌کند، یعنی دانشگاه، نهادی است که می‌تواند دردهای جامعه را شنیده و تئوریزه کند، همچنین باید تجربه‌های زیسته مردم را به دانش تبدیل کند و بتواند فاصله بین زبان جامعه نخبه و فهم عمومی را کاهش دهد

مردم، می‌توانند راهکارهای علمی و عملیاتی حفظ این وحدت را ارائه دهند. هرچند در طول سال‌های گذشته حوزه علوم‌انسانی و اجتماعی کشور نتوانسته نسبت خود را با جامعه ایرانی به‌درستی تعریف کند، اما جنگ ۱۲ روزه فرصتی را پیش روی کشورگذارشته که استفاده درست از آن می‌تواند هم به نفع این حوزه و هم در ساحت کلان‌تر به نفع کل کشور تمام شود. مسئله‌ای که رسیدن

جامعه دانشگاهی می‌تواند با اقشار مختلف گفت‌وگو و روایت‌های دقیقی را مطرح کند، یعنی باید نشان دهد دانشمندان هسته‌ای ما چه ویژگی‌هایی داشته‌اند و جامعه را نسبت به جنگ شناختی که در حال رخ‌دادن است، آگاه کند. دشمن این روزها به‌شدت تکیه خود را روی مخدوش کردن ذهن جامعه گذاشته است. در این راستا ابزار رسانه و فضای مجازی را در اختیار دارد و این مقوله را به‌صورت جدی و با برنامه‌ریزی دنبال می‌کند. دانشگاه‌ها در این زمینه می‌توانند با در اختیار داشتن نیروی متخصص بسیار کمک‌کننده باشند، همچنین نهاد علم در حوزه تاب‌آوری اجتماعی هم می‌تواند ایفای نقشش داشته باشد

رشادات‌ها صورت نگرفته، این در حالی است که تولید ادبیات خوبی هم در این حوزه داشتیم، اما ناکافی بوده است. در شرایط فعلی ما باید برای گسست بین تجربه‌های مردمی و حافظه نهادی کشور فکری کنیم که دانشگاه می‌تواند از طریق پروژه‌های پژوهشی و ثبت تاریخ شفاهی در این زمینه وارد شود. همچنین می‌توان با ورود رشته‌های میان‌رشته‌ای و برگزاری برخی سمینارها با حضور چهره‌های متخصص روایت مقاومت را از حاشیه به متن علم و آموزش برگرداند. در کنار آن قطعاً تقویت سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی یکی از کارویژه‌های جدی دانشگاه‌هاست.

ایـن را نمی‌توان از قلم انداخت که طبیعتاً نسبت به برخی کمبودها، در بین جامعه دانشگاهی انتقاداتی وجود دارد و این انتقادات هم باید به‌صورت علمی و دقیق در جای خود مطرح شود؛ اما آنچه مهم است، اینکه دانشگاه باید با رویکردی بی‌طرفی و صرفاً علمی، وارد عمل شده و اعتماد مردم را نسبت به نهادهای کلان افزایش دهد. وقتی مردم ببینند که دانشگاه‌ها حرف‌هایشان را گوش داده و از تجربه زیستشان برای تحلیل‌های سیاستی استفاده می‌کنند، وضعیت متفاوت می‌شود. یعنی مثلاً من استاد سیاسی، علوم اجتماعی یا هر رشته دیگری از تجربه زیسته مردم، گزاره‌های سیاسی ارائه می‌دهم، به‌تدریج زبان مقاومت به زبان عمل تبدیل می‌شود و این اتفاق قابل رخ دادن است؛ ولی نیازمند یک برنامه‌ریزی هستیم.

شما معتقدید دانشگاه باید با تعریف پژوهش‌های، وارد جنگ شناختی امروز شود، چقدر این مسئله در عمل می‌تواند امکان‌پذیر است؟

فضای فرهنگی امروز، فضای تهاجم فرهنگی است و با مصرف‌گرایی و نسبی‌گرایی هویت روبه‌رو هستیم. دانشگاه باید در مقام مدافع و تولیدکننده هویت ملی بوده و نسبت به گذشته، پیش از پیش در این زمینه حرکت کند. یعنی باید مقوله‌های هویت ملی در محتوای درسی نمود پیدا کنند. البته منظورم سیستم کلی تعلیم‌وتربیت است؛ چراکه نسلی که از سال تحصیلی جدید وارد دانشگاه می‌شود، قبلاً در آموزش‌وپرورش بوده است. یعنی وقتی از دانشگاه میانجی صورت می‌کنیم، بحث مدرسه میانجی هم مطرح است. ترویج ادبیات پایداری باید در کتب و متون درسی ما و برنامه‌های روایت‌محوری برای دانشجویان در محیط‌های خوابگاهی دنبال شود. موضوع مهم دیگر اینکه دانشگاه صرفاً برای بازار نیست و یکی از خطاهایی که در طول سال‌های گذشته رخ داده آن بود که اعلام کردند دانشگاه برای بازار است. قطعاً به همان اندازه که صحبت از دانشگاه و صنعت به میان می‌آید باید بحث دانشگاه با جامعه هم مطرح باشد. مسئولیت‌پذیری اجتماعی و نقش مسئولیت اجتماعی دانشگاه‌ها اینجا تعریف می‌شود که باید به این سمت برویم که دانشگاه برای ملت باشد نه لزوماً برای بازار. یعنی دانشگاهی که بتواند درک مشترک از تاریخ، رنج و مقاومت و امید را در بین نسل‌ها بازتولید کند، دانشگاهی خواهد بود که نه‌تنها دانش تولید می‌کند؛ بلکه ملت را منسجم کرده و هویت‌سازی می‌کند. این دانشگاه دیگر تولیدکننده مدرک و نیروی کار نیست؛ چرا امروز دچار آفت‌های تولید مدرک شده‌ایم؛ برای آن است که به بخشی که می‌تواند تولیدکننده انسجام بوده، بی‌توجهی کرده‌ایم.

دانشگاه برای تحقق مطالبه رهبری باید به کدام حوزه‌های علمی تمرکز بیشتری داشته باشد؟

مقام‌معلم‌رهبری در فرمان اخیرشان به‌خوبی مسیر آینده را نشان داده و دانشگاه باید در این مسیر حرکت کند. البته دراین‌بین قطعاً نقش علوم‌انسانی و اجتماعی بالاتر است؛ چراکه موضوع بحث تاب‌آوری اجتماعی بوده و بحث هویت ملی در میان است. دشمن وقتی متوجه شد انسجام در این جامعه وجود دارد و ملت در آن یک‌دلد و یک‌صدا هستند، توانست به اهدافش برسد. دیدیم که حتی افرادی که به هر دلیلی به خارج از کشور رفتند

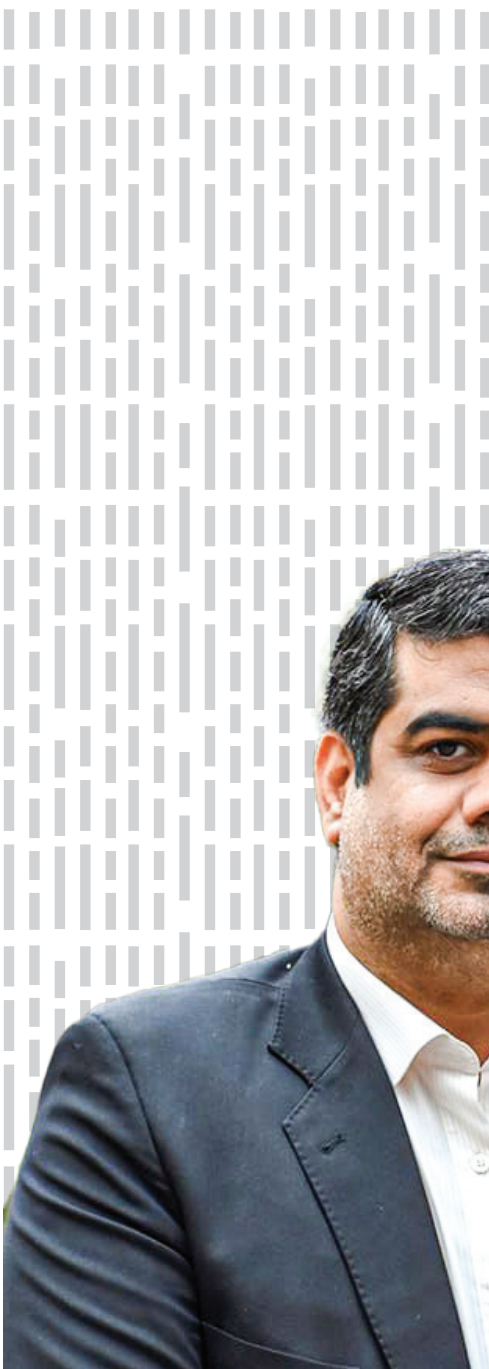
به آن الزامات خاص خودش را دارد. سعید غیائی ندوشن، رئیس پژوهشگاه مطالعات فرهنگی، اجتماعی و تمدنی وزارت علوم در گفت‌وگو با «فرهیختگان» معتقد است در دوران پسا جنگ باید به سمت شبکه‌سازی جامعه دانشگاهی حرکت کنیم و دانشگاه‌ها می‌توانند نقش سازمان میانجی را برای تقویت انسجام ملی ایفا کنند. در ادامه مشروح این گفت‌وگو را از نظر می‌گذارید.

هم در این جنگ، پیانه‌هایی را در دفاع از هویت صادر کردند و یک انسجام حول پرچم، هویت ملی و ایران اسلامی شکل گرفت و همین مسئله هم باعث شد تا دشمن عقب‌نشینی کند. قطعاً دشمن می‌داند که اطلاعاتش غلط از آب در آمده است. در این شرایط دشمن وارد یک جنگ شناختی می‌شود و باید این مسئله را جدی گرفت. شاید بد نباشد در اینجا به نقش علم در حوزه سخت هم اشاره کرد. نگاه کنید وقتی موشک‌های ایرانی از چندین لایه پدافندی رد می‌شد، آن هم درحالی‌که کشورهایی مانند آمریکا، فرانسه، اردن و... هم وارد میدان شده بودند تا موشک‌های ما را رهگیری کنند، به دنیا نشان داد که دانش ایرانی باعث شده ایران به موشک‌های دست یابد که حتی سامانه‌های دشمن را دچار خودزنی کند. اتفاقات جنگ ۱۲ روزه نشان داد که بن‌مایه نظامی ما پشتوانه‌های علمی دارد و ما باید این مسئله را برای جامعه تبیین کنیم.

در صورت تکرار شرایط جنگ ۱۲ روزه، دانشگاه‌ها چه کارویژه‌ای برای حفظ وحدت بین مردم برعهده خواهند داشت؟

همان‌طور که امروز همه آحاد جامعه از نیروهای نظامی‌شان این انتظار را دارند که اگر سیستم‌های موشکی و دفاعی آسیب دیدند، آن را احیا کند طبیعتاً جنگ ۱۲ روزه تجربه‌ای برای همه بخش‌های کشور شده که بازهم‌دسی و بازتعریف جدی برای خودشان داشته باشند. ما نیازمند شبکه‌سازی جدی بین شبکه دانشگاهی، دانشجویان به‌ویژه فعالان فرهنگی و اجتماعی این حوزه و اساتید هستیم. یعنی ما نباید دوباره دچار شوک شـوریم که اگر این اتفاق رخ داد باید چه کار کرد؟ البته در بلندمدت باید تولید دانش در حوزه جنگ و مقاومت داشته و نیروی متخصص در حوزه روانشناسی جنگ، جامعه‌شناسی و فضای گفت‌وگو میان دانشجویان و اساتید تربیت کنیم، اما امروز قطعاً نیازمند ساماندهی نظام آموزش عالی هستیم. البته معتقدم در همین برهه ۱۲ روزه تلاش‌های خوبی هم در آموزش عالی کشور رخ داده اما این مسئله باید به شکل جدی‌تری به‌ویژه در عرصه فعالیت‌های بین‌المللی دنبال شود.

درحقیقت نظام دانشگاهی ما باید عرصه گسترده‌تری برای انعکاس مظلومیت دانشمندان و مردم ایران داشته باشد؛ تا این‌گونه زخم‌هایی که تروریسم دولتی آمریکا و اسرائیل به ایران وارد می‌کند را به دنیا نشان دهیم. امروز شبکه‌سازی مهم‌ترین و کلیدی‌ترین کاری است که باید نظام آموزش عالی در بین جامعه دانشجویی و استادی و حتی مسئولان دانشگاهی ایجاد کند و در خلأ آن تقسیم کاری در حوزه تولید محتوا، جنگ شناختی و تجهیز جامعه دانشگاهی برای پیروزی در این جنگ انجام دهد. بسیاری از اساتید و دانشجویان ما شاید در حوزه جنگ شناختی خودشان هم دچار مسئله شوند و لازم است که ابعاد این موضوع برایشان با فوریت تبیین شود. البته همین‌الان باید این شبکه‌سازی صورت بگیرد و الان در دوران پسا جنگ با به عبارت بهتر بین جنگ هستیم و باید مراقب جنگ شناختی، شایعه‌سازی و روایت‌های غلط دشمن باشیم.



دانشگاه برای تحقق مطالبه رهبری باید به کدام

حوزه‌های علمی تمرکز بیشتری داشته باشد؟

مقام‌معلم‌رهبری در فرمان اخیرشان به‌خوبی مسیر آینده را نشان داده و دانشگاه باید در این مسیر حرکت کند. البته دراین‌بین قطعاً نقش علوم‌انسانی و اجتماعی بالاتر است؛ چراکه موضوع بحث تاب‌آوری اجتماعی بوده و بحث هویت ملی در میان است. دشمن وقتی متوجه شد انسجام در این جامعه وجود دارد و ملت در آن یک‌دلد و یک‌صدا هستند، توانست به اهدافش برسد. دیدیم که حتی افرادی که به هر دلیلی به خارج از کشور رفتند